واکاوی بازتاب حقوق بشر در فیلم‌های هالیوودی و ایرانی در گفت‌وگوی «جوان» با سعید مستغاثی

سینمای کم کار ما در حقوق بشر اسلامی به مفاهیم ضد اسلامی هجوم برده است!

■ محسن محمدی

حقوق بشر یکی از مفاهیمی است که هالیوود و سینمای غرب با محمل قرار دادن آن در سال‌های پس از پیروزی انقلاب اسلامی بر ایران تاخته‌اند. بدون دخترم هرگز، پرسپولیس، سنگسار ثریا و زنان بدون مردان از جمله آثاری هستند که با رویکرد سیاسی اما به بهانه حقوق بشر، فرهنگ و سبک زندگی ایرانی اسلامی را مورد هجمه قرار داده‌اند. بررسی دلایل این رویکرد مغرضانه و کیفیت چگونگی مواجهه و مقابله سینمای ایران با آن و البته نوع نگاه سینماگران وطنی به مقوله حقوق بشر در آثارشان بهانه گفت‌وگوی «جوان» با سعید مستغاثی نویسنده، روزنامه‌نگار و منتقد سینمایی است.

فاطمه عرفانیان | جوان

سینمای هالیوود تا به امروز چقدر به بهانه حقوق بشر به ایران تاخته و سعی در مخدوش کردن چهره کشور ما در دنیا داشته است؟

در مجموع در بسیاری از آثار هالیوود نوعی اسلام‌هراسی مشاهده می‌شود و مسلمانان را در این آثار ضدتمدن نشان می‌دهند. این تب چنان در سال‌های اخیر بالا گرفته که برژینسکی، مشاور امنیت ملی دوران جیمی کارتر در مقاله‌ای در روزنامه واشنگتن‌پست هشدار می‌دهد که این پارانوما نشان دادن هر عرب و مسلمانی به عنوان تروریست را متوقف کنید که باعث به راه افتادن یک هولوکاست جدید خواهد شد. ببینید چه خبر است و کار در سینما و رسانه‌های غربی به کجا رسیده که فردی مانند برژینسکی هم واکنش نشان می‌دهد. یک زمانی در سینمای غرب سرخ‌پوست‌ها به عنوان انسان‌های وحشی و خطرناک نشان داده می‌شدند و حالا نوبت مسلمانان شده است. البته حتی در دوران اولیه سینما هم چنین رویکردی وجود داشته و مسئله‌ای سابقه‌دار است.

در برخی آثار سینمایی غرب می‌توان نشانه‌هایی از تاختن بر فرهنگ ایرانی را هم مشاهده کرد. مثلاً فیلم «بدون دخترم هرگز» که بسیاری از مناسبات موجود در خانواده‌ها و فرهنگ ایرانی را زیر سؤال می‌برد.

در فیلم بدون دخترم هرگز و حتی «پرسپولیس» بیشتر مباحث ایدئولوژیک برآمده از فرهنگ اسلامی زیر سؤال است. اصولاً سینمای غرب، متولیان و سیاستگذارانش ایران بدون اسلام را بسیار می‌پسندند اما وقتی با اسلام ترکیب می‌شود آن وقت با آن به مشکل برمی‌خورند. بسیاری از خرده فرهنگ‌ها و آداب و رسوم ایرانی هم ریشه در قوانین اسلام دارد، از همین رو است که با حمله همه‌جانبه سینمای غرب مواجه می‌شود.

در پیوند با پرسش قبلی، عملکرد سینمای ایران را در انعکاس و بازتاب حقوق بشر اسلامی در آثار خود چگونه ارزیابی می‌کنید؟

دستاوردها تقریباً صفر است. شاید تعداد آثار انگشت‌شماری در این زمینه ساخته شده باشد اما اصولاً جریان سینمای ایران تحت نفوذ قشر روشنفکرنما و سکولار است که به ریشه‌های سینما در دوران طاغوت بازمی‌گردد. هر نوع گرایش به سمت اسلام و ایدئولوژی برآمده از آن، با تهمت و بهتان سفارشی‌سازی و ایدئولوژیک و حکومتی بودن مواجه و سرکوب می‌شود. حتی آثاری که به نسبت از بودجه و امکانات خوبی برخوردار بوده‌اند هم به واسطه همین نگاه نتوانستند آن چنان که باید و شاید سبک زندگی ایرانی اسلامی و هویت انقلابی را به نمایش بگذارند. اساس سینمای ایران هیچ‌گاه پس از انقلاب اسلامی اصلاح نشد و آن تفکر سکولار که از ابتدای ورود سینما به ایران در آن برقرار بود همچنان پابرجا است. اگر چه پس از انقلاب برخی مدیران متعهد کوشیدند سینما را به گفتمان انقلاب اسلامی نزدیک کنند و آثاری هم در این زمینه ساخته شد که البته قابل تقدیر است اما همچنان جریان اصلی سینمای قصه‌گو در دست طبقه شبه‌روشنفکر و سکولار است. خوشبختانه در سال‌های اخیر با برگزاری جشنواره‌هایی مانند عمار و تشکیل سازمان‌هایی مثل اوج و سفیر تلاش‌هایی در زمینه ساخت آثار مستند و انیمیشن شده است که جای قدردانی دارد اما همه چیز در کلیت به یک بازنگری اساسی نیازمند است.

چرا همین معدود سینماگران متعهد که به آنها اشاره کردید کمتر سراغ موضوعاتی مثل حقوق بشر اسلامی رفته‌اند؟ آیا دغدغه‌ای در این زمینه وجود ندارد یا حمایت‌های لازم صورت نمی‌گیرد؟

رفته‌اند، نه این که نرفته باشند منتها آن قدر دست‌ها بسته است که نتیجه به چشم نمی‌آید. در فیلم‌هایی مثل «چ» و «به وقت شام» به شکل زیرپوستی به حقوق بشر اسلامی اشاره می‌شود، حتی در آثاری مثل «بدوک» و «بچه‌های آسمان» هم. هر جا فیلمسازان ما به گفتمان انقلاب اسلامی نزدیک شده‌اند طبعاً بحث حقوق بشر اسلامی هم به میان آمده است. فیلم «محمد رسول‌الله» مجید مجیدی نمایش حقوق بشر اسلامی را در جای جای خود دارد. خیلی از فیلم‌های دفاع مقدسی که به رفتار رزمندگان با اسرا می‌پرداختند و سبک زندگی‌شان را بازتاب می‌دادند هم حقوق بشر اسلامی را به نمایش می‌گذاشتند اما به هر حال این آثار در اقلیت هستند و با وجود همه شعرها و شعارها به یک جریان اصلی در سینمای ما تبدیل نشده‌اند.

مسئولان و دست‌اندرکاران فرهنگی و به طور مشخص سینمایی کشور چقدر دغدغه پرداختن به مفاهیمی همچون حقوق بشر اسلامی ایرانی را داشته و دارند؟

> **اصولاً جریان سینمای ایران تحت نفوذ قشر روشنفکرنما و سکولار است که به ریشه‌های سینما در دوران طاغوت بازمی‌گردد. هر نوع گرایش به سمت اسلام و ایدئولوژی برآمده از آن، با تهمت و بهتان سفارشی‌سازی، ایدئولوژیک و حکومتی بودن مواجه و سرکوب می‌شود**

این دوستان بیشتر در این فکر هستند که قطاری را که بر آن سوار هستند به حرکت درآورند اما خیلی دغدغه چگونگی تعیین مسیر را ندارند. اگر چه بوده‌اند مدیرانی که سعی داشتند این ریل‌گذاری را تصحیح کنند اما متأسفانه این قطار همچنان به راه خود می‌رود. البته باید به این نکته اشاره کرد که فرهنگ یک مسئله عمومی است و فقط به سینما خلاصه نمی‌شود. فرهنگ در همه فضاها از جمله رسانه‌ها و غیره باید جاری و ساری باشد و فقط نمی‌توان از سینما انتظار داشت. اگر در کلیت فضای فرهنگی کشور پرداختن به مفاهیمی همچون گفتمان انقلاب و حقوق بشر اسلامی نهادینه شود در نتیجه سینما هم از آن بهره خواهد گرفت و به این جریان می‌پیوندد. همه این ابزارهای فرهنگی به نوعی با هم در ارتباط هستند. اصولاً اصلاح فرهنگی که به اندازه ۲۰۰ سال مورد تهاجم بوده است یک کار ۲۴ ساعته و جهادی را می‌طلبد تا به تعبیر امام راحل اسلام را آن چنان که هست معرفی کنیم. در این میان کشورهایی هم هستند که از طرق مختلف مثل رسانه‌ها، ماهواره‌ها، فضای مجازی و شبکه‌های اجتماعی به میدان آمده‌اند تا این اتفاق نیفتد و متأسفانه دستگاه‌های فرهنگی ما هم در برابر این تهاجم منفعل بوده‌اند. به نظرم اگر نبود فرهنگ اسلامی، عاشورایی و مذهبی، ملت ایران تا به امروز در برابر این هجمه‌ها تاب نمی‌آورد.

عجیب نیست که پس از گذشت چند دهه از حمله ناو امریکایی به هواپیمای مسافربری ایران هنوز هیچ فیلمی درباره این واقعه ساخته نشده است؟

البته این یک سؤال بنیادی است اما نه، اصلاً عجیب نیست. وقتی در ۴۰ سال گذشته فقط یک فیلم درباره پیامبر اسلام(ص) ساخته شده و تقریباً هیچ اثر نمایشی راجع به ائمه اطهار(ع) و حتی بزرگانها و قهرمانان تاریخی‌مان نداریم دیگر جای تعجب ندارد که برای حمله ناجوانمردانه ناو امریکایی به هواپیمای مسافربری ایران هیچ فیلمی نساخته باشیم. همه این‌ها بازمی‌گردد به مسلط بودن روحیه سکولاریسم بر بدنه سینمای ما. باید از متولیان پرسید که چرا سینمای ما دست چنین افراد با چنین افکاری است؟ باید بدون تعارف بعد از ۴۰ سال این پرسش را با متولیان فرهنگی کشور مطرح کرد که چرا راجع به خود امام و انقلاب هیچ فیلم قابل دفاعی نداریم؟ سینمای امریکا در مورد هر واقعه تاریخی کوتاه‌مدت خود نیز اثر نمایشی دارد. متولیان مدعی فرهنگ در کشور باید پاسخگوی این پرسش باشند.

این کم‌کاری چقدر می‌تواند متأثر از همان تجربه‌های معدود اما ناموفق ما در گذشته باشد. برای مثال، فیلمی که درباره امام راحل ساخته شد با آن همه حواشی و یا اثری که درباره حمله کماندوهای امریکایی به طبس روی پرده رفت؟

اگر ما چند فیلم داشته باشیم که در این زمینه ساخته شده و دارای نقاط ضعف هستند، در عوض صدها فیلم دیگر را هم داریم که اصلاً در جهت گفتمان انقلاب اسلامی قرار ندارند. در طول یک سال نزدیک به صد فیلم در سینمای ایران ساخته می‌شود که شاید فقط ۷ الی ۸ فیلم به مفاهیم انقلابی و اسلامی می‌پردازند و مابقی آثار به جریان دیگر تعلق دارند. جالب آن که بسیاری از آن ۹۰ فیلم دیگر که ناموفق هستند دوباره ساخته می‌شوند. برای مثال، فیلم‌های زیادی برای زیر سؤال بردن حکم قصاص ساخته شده و می‌شود که بسیاری از آنها به شدت هم ضعیف و ناموفق بوده‌اند اما ساخت این آثار همچنان ادامه دارد. بر فرض که چند فیلم ناموفق هم در زمینه انقلاب و شخصیت‌های آن داشته باشیم اما این که دلیل نمی‌شود دیگر از ساخت آثار این چنینی دست بکشیم. به نظرم این پرسش کمی بی‌انصافانه است.

البته من قضاوت و پیش‌داوری ندارم و فقط در مقام پرسشگر چنین سؤالی را طرح کردم.

منظور من هم به سؤال شما نیست؛ این مسئله به طور کل مطرح است. شما ببینید چند فیلم درباره قصاص ساخته شده است. فکر نمی‌کنم آدم‌هایی که در طول سال‌های گذشته قصاص یا بخشیده شده‌اند تعدادشان به اندازه این تعداد فیلم و سریال بوده باشد. ده‌ها فیلم بلند و کوتاه و سریال درباره قصاص ساخته شده است، گویا یک هجمه و بخشنامه نانوشته در این زمینه وجود دارد یا مثلاً درباره حقوق زن چقدر مانور داده می‌شود، آن هم در قالب آثار به شدت ضعیف. اما از این سو، دریغ از یک فیلم درباره ائمه اطهار. اصولاً اثری ساخته نمی‌شود که بگوییم بعدی‌اش را بسازید یا نسازید. درباره حمله ناو امریکایی به هواپیمای مسافربری ایران اصولاً فیلمی ساخته نشده که بخواهیم درباره‌اش قضاوتی داشته باشیم. موانع پنهانی و نادیده‌ای در این زمینه وجود دارد؛ هم در تفکرات برخی مسئولان و هم در عمق جان بعضی از فیلمسازان شیفته غرب. در واقع همه اینها دست به دست هم داده‌اند تا اگر کسی بخواهد به طرف مسائلی مثل انقلاب اسلامی، حقوق بشر، شخصیت‌ها و وقایع انقلاب برود، سریع انگ حکومتی و ایدئولوژیک بودن و سفارشی ساختن به او بخورد. این در حالی است که بسیاری از همین روشنفکرنماهای سکولار از منابع دولتی و حکومتی استفاده می‌کنند؛ همان‌هایی که به گفته خودشان فقط ماهانه ۱۰ هزار دلار برای خانواده‌هایشان در خارج از کشور می‌فرستند. باید یک بار برای همیشه نشست و درباره این اتفاقات در سینما و تلویزیون پرسش‌های اساسی مطرح کرد.

می‌دانید که هر ساله جشنواره‌های بین‌المللی فیلم حقوق بشر در چندین کشور دنیا از جمله افغانستان و نپال برگزار می‌شود. چرا ایران نمی‌تواند برای تبیین و بازگویی مفاهیمی همچون حقوق بشر اسلامی متولی برگزاری چنین جشنواره‌هایی باشد؟

اول باید فیلم‌هایی ساخته شود و بعد جشنواره‌ای بر اساس آن شکل بگیرد.

اگر جشنواره وجهه بین‌المللی پیدا کند و فراخوانی برای شرکت کشورها و فیلمسازان مسلمان داشته باشد چطور؟

به نظر من اول باید خودمان فعالیتی در این زمینه داشته باشیم. احترام امامزاده با متولی است. قطعاً شرکت‌کنندگان ابتدا از خودمان خواهند پرسید که در این زمینه چه کرده‌اید؟ فیلم‌هایی که سفیران فرهنگی ما در جشنواره‌های مختلف هستند که البته خوشبختانه در چند دوره اخیر خیلی کم از آنها استقبال شده است، همه با باورهای ملی و اسلامی و از جمله حقوق بشر اسلامی در ضدیت هستند. مخاطب خارجی که این فیلم‌ها را می‌بیند چه برداشت و قضاوتی از کشور ما خواهد داشت؟ کار به جایی رسیده که خود منتقدان غربی هم اذعان دارند آنچه در برخی فیلم‌های ایرانی نشان داده می‌شود ربطی به واقعیت ندارد.

صداوسیما

سید مسعود اطیابی خبر داد

«کامیون» تا عید به شبکه ۲ می‌رسد

کارگردان پرفروش‌ترین فیلم کمدی سال ۹۸ سریال نوروزی شبکه ۲ را می‌سازد.

به گزارش «جوان» به نقل از روابط عمومی سریال؛ مجموعه طنز «کامیون» سریال نوروزی شبکه ۲ سیما و دومین تجربه همکاری سیدمسعود اطیابی کارگردان «تگزاس ۲» پرفروش‌ترین فیلم کمدی سال ۹۸ با تلویزیون است که در ۳۰ قسمت ۴۲ دقیقه‌ای تولید می‌شود.

داستان این سریال را شهاب عباسی بر اساس طرحی از شهروز شکورزاده نوشته است. این مجموعه طنز درباره یک پیشکسوت فوتبال است که مدتی روی کامیون باربری کار می‌کند و پس از آشنایی با سه دانشجو که صاحبخانه به دلیل مشکلاتی اثاثیه‌شان را به خیابان ریخته است، درگیر ماجراهایی می‌شود. «کامیون» روزهای پایانی پیش‌تولید را می‌گذراند و حضور مهدی هاشمی، نسرین مقانلو و علی هاشمی در این سریال قطعی شده است.

هادی مرتضی‌زاده شرکت‌کننده برنامه «عصر جدید» نیز با این مجموعه تلویزیونی به‌عنوان بازیگر معرفی می‌شود.

معرفی کتاب

یک تنه در برابر یک دنیا

بازخوانی برگ‌هایی از دفتر تاریخ دفاع مقدس

دو سال پس از پیروزی انقلاب اسلامی ایران، حمله عراق به ایران، شرایط خطیری را پیش پای انقلابیون ایرانی قرار داد. در چنین شرایط نابسامانی، عمده تحلیلگران سیاسی و نظامی، عاقبت جنگ ایران و عراق را به ضرر ایران می‌دانستند. نکته محوری دیگر آنکه در این جنگ بخش عظیمی از جهان، روبه‌روی انقلاب اسلامی ایستاد.

کتاب «یک تنه در برابر یک دنیا» حاصل تلاش جمعی از پژوهشگران اندیشکده برهان است که به بازخوانی صفحاتی از دفتر قطور تاریخ پر فراز و نشیب دفاع مقدس می‌پردازد. این کتاب در ۹ فصل جمع‌آوری شده و به مباحثی چون ریشه‌های تهاجم، ادوار جنگ، بنی‌صدر در جنگ، شهید رجایی و جنگ تحمیلی، جنگ در خاک عراق، قطعنامه‌ها، جنگ علیه حقوق بشر، حامیان صدام و پایان جنگ می‌پردازد. چاپ اول «یک تنه در برابر یک دنیا»، از مجموعه «پژوهه‌های تاریخی» اندیشکده برهان، در ۲۴۸ صفحه و با شمارگان هزار نسخه به بهای ۳۶هزار تومان منتشر شده و در اختیار علاقه‌مندان قرار گرفته است.

رسانه‌های برون‌مرزی؛ ابزار پیروزی در جنگ

■ محمد پارسا نجفی

رسانه برون‌مرزی نوعی ابزار مکمل برای فعالیت‌هایی است که هدف آنها تأمین اهداف تعریف‌شده در وسعت ملی است؛ در هر بخشی و با هر نیتی. برای مثال در ابعاد اقتصادی این رسانه‌ها می‌توانند در جذب گردشگر خارجی، سرمایه‌گذاری بین‌المللی، بازار مشترک منطقه‌ای و... منشأ اثر باشند که حداقل تأثیر آن افزایش میزان صادرات بلندمدت است. این تأمین منافع در مورد حفظ امنیت کشور بسیار محسوس است چراکه می‌تواند به درون کشوری که نیرویی متخاصم دارد به صورت نرم نفوذ کند و با ادبیات متفاوت اهداف گوناگونی را پوشش دهد که در مجموع می‌تواند به تحقق هدف سیاسی یا اقتصادی منجر شود.

در دنیای امروز، ابزارهای سخت هم اثر کمتری دارند و هم هزینه و خسارت بیشتری برای هر دو طرف ماجرا، اما رسانه اثرگذاری ماندگارتر با برد بسیار بیشتری دارد.

برای مثال در قرن‌های گذشته انگلیس با وجود داشتن قدرت نظامی قوی، به وسیله سلاح رسانه توانسته بود بیشتر جنگ‌ها را قبل از شروع پیروز شود، یعنی بیشتر از آنکه از سلاح و سرباز استفاده کند از تبلیغات و رسانه برای پیگیری اهدافش سود جست و گاه کشورها را بدون درگیری به چنگ می‌آورد.

در این مورد می‌توانید به تاریخ نگاه کنید که همین امپراتوری، با تهدید و تطمیع و تحمیق توانست سیاست‌های خود را جامه عمل بپوشاند اما امپراتوری اسپانیا که زمانی قوی‌ترین قدرت نظامی محسوب می‌شد و کشورهای زیادی را اشغال کرده بود به سرعت مضمحل شد. لندن همیشه از رسانه‌های روز استفاده کرده و حتی در میان مردم کشورهای دشمن هم برای خود نیرویی دست و پا می‌کند اما اسپانیا فاقد بهره‌مندی از رسانه بود.

اکنون هم کشورهای غربی از رسانه برای پیشبرد برنامه‌های خود استفاده می‌کنند که نمونه‌های آن را شاهد هستیم.

از آنجا که ما مخالف اشغالگری و استکبار هستیم و از طرف دیگر در معرض انواع تهدید امنیتی و تحریم اقتصادی قرار داریم بیشتر از هر کشوری به رسانه‌های برون‌مرزی نیازمندیم تا بتوانیم دیگران را از حقایق مرتبط با خود آگاه کنیم. هم منافع اقتصادی به‌حق خود را تأمین کنیم و شرکای تجاری بیشتری به دست آوریم، هم مقابله با تهدید دشمن را از خط مقدم به عمق راهبردی درون جوامع غربی منتقل کنیم. به قول حافظ که خود مرد رسانه بود «بر چشم دشمنان تیر، از این کمان توان زد.»

دولت‌های غربی هم به رأی مردم و هم به پول مالیات آنها نیاز دارند. اگر مردم امریکا و همه کشورهای غربی از حقایق آگاه شوند قطعاً در اقدامات دولت‌شان تأثیرگذار خواهند بود. البته لازمه این امر، آگاه شدن مردم است. تظاهرات‌های مکرر مردم امریکا در مخالفت با جنگ ویتنام یا شرکت نکردن دولت‌های اروپایی در جنگ مارس ۲۰۰۳ عراق نمونه‌هایی از این موارد هستند. اگر امروز امریکا علنی وارد جنگ یمن نمی‌شود یا تاکنون به ونزوئلا حمله مستقیم نظامی نکرده است به دلیل همین مخالفت عمومی مردم آن کشورهاست. به همان صورت که طرح‌های «نقشه راه» در دهه قبل و «معامله قرن» در حال حاضر به شکست منتهی شده است. همان اندازه که امریکا در متقاعد کردن مردم کشورش برای حمله به کوبا ناکام شده و این جزیره کوچک و کم‌جمعیت بیش از نیم قرن زیر پای امریکا با آن ابرقدرت مخالفت می‌کند. در نتیجه به این صورت نیست که دولت‌های غربی هر چه بخواهند انجام‌پذیر باشد. بلکه آنها ابتدا باید مردم کشور خود را با ایده‌های‌شان همراه کنند و نوعی مشروعیت سیاسی با روکش انسانی برای آن بسازند. اگر غیر از این بود خود دولت‌های غربی نیازی به هزینه کردن در رسانه‌های جهانی نداشتند.

بانک مهر اقتصاد
وابسته به بانک سپه

آگهی مزایده

مرحله هفتم نوبت دوم سال ۱۳۹۸
بانک مهر اقتصاد استان اردبیل با شرایط نقد

بانک مهر اقتصاد درنظر دارد ملک مشروحه ذیل را از طریق مزایده به فروش برساند. متقاضیان می‌توانند حداکثر ظرف مدت ۷ روز از تاریخ درج آگهی (۱۳۹۸/۰۷/۲۱) جهت بازدید از محل و کسب اطلاعات بیشتر و دریافت فرم شرکت در مزایده و تکمیل و ارائه پیشنهاد قیمت به نشانی‌های ذیل مراجعه نمایند.

شماره ملک	نشانی ملک	نوع ملک	پلاک ثبتی	عرصه	اعیان	قیمت پایه (ریال)	امتیازات	مشخصات ملک	وضعیت انتقال سند
۵-۷-۷۹۱۸	اردبیل - اول شهرک ترابری (تپه نادری)	زمین	۷۳/۲۸۴	۳۹۹۹	-	۷۵,۰۰۰,۰۰۰,۰۰۰	-	بدون کاربری - مشرف به کاربری مسکونی	قطعی

شرایط واگذاری:

***شرایط نقد: واریز ۷۰٪ مبلغ پس از اعلام به برنده مزایده و ۳۰٪ مانده در دفترخانه و هنگام انتقال قطعی.**

توضیحات:

۱. مبلغ سپرده شرکت در مزایده معادل ۵ درصد مبلغ پایه مزایده مندرج در آگهی می‌باشد که باید توسط متقاضی به حساب مورد اشاره در فرم پیشنهاد قیمت واریز و رسید آن با قید ردیف و مشخصات دقیق ملک مورد انتخاب متقاضی به همراه سایر مدارک داخل پاکت در بسته تحویل گردد.
۲. جهت خرید اسناد شرکت در مزایده به نشانی اردبیل - میدان شریعتی - ساختمان بانک مهر اقتصاد -طبقه چهارم - دایره پشتیبانی و مهندسی استان مراجعه فرمایید.
۳. ملک با وضع موجود به فروش می‌رسد و جهت ارائه پیشنهاد، بازدید از ملک ضروری است.
۴. صرف شرکت در مزایده هیچگونه تعهدی برای مزایده‌گر (متقاضی خرید) ایجاد نکرده و مزایده‌گزار (بانک) در رد یا قبول هر یک یا تمام پیشنهادات مختار خواهد بود.
۵. هزینه آگهی بر عهده برنده مزایده می‌باشد.
۶. وضعیت سند، قطعی یا وکالتی یا قانون تسهیل می‌باشد.
۷. جهت کسب اطلاعات بیشتر می‌توانید به نشانی فوق‌الذکر مراجعه و یا با شماره تلفن ۳۳۲۳۱۴۹۷-۳۳۲۳۱۴۹۸ تماس حاصل فرمایید.